

کتاب «انقلاب ما»: مجموعه داستان بازی های کودک و نوجوان به همت خانه «همبازی» و توسط انتشارات «راه یار» چاپ و راهی بازار نشر شد. به گزارش جام جم، در بخشی از مقدمه این کتاب در توضیح انگیزه نگارش آن چنین می خوانیم: «مسأله رشد و تربیت یکی از دغدغه های اصلی مجموعه ها و گروه هایی است که در حوزه مسائل علوم انسانی فعالیت می کنند. هر مجموعه به فراخور مخاطب و

«انقلاب ما»

وارد بازار نشر شد

کپ

در گفت وگو با نویسنده کتاب «پرچم در اهتزاز» عنوان شد:

ناداستان؛ درичه ورود مخاطب به جهان نویسنده



زینب مرزوقی

گروه فرهنگ و هنر

کرونا که آمد شیوه زیست ما به طور کلی تغییر کرد. نه تنها ما بلکه کل جهان اما برای ما ایرانی ها که همیشه جمع را به خلوت ترجیح می دهیم سخت تر از سایر مردم جهان بود.

رفت و آمدهای محدود، ابراز علاقه های کلامی و کم شدن دورهمی ها از اتفاقات تلخی است که بیشتر خانواده ها ابتدای کرونا تجربه کردند اما از اینها تلخ تر تغییر شکل عزاداری و کم شدن سیل جمعیت هیات ها و عاشقان ابا عبا... بود. بسیاری از پذیرفتن محدودیت سر باز زدند، بسیار هم کم رونق بودن را به تعطیلی کلی ترجیح دادند و با رعایت پروتکل های بهداشتی و جمعیت کمتر باز هم سینه زن ارباب شدند. سمیه جمالی، نویسنده جوانی است که روزهای عزاداری مسجد ارک در اولین سال شیوع کرونا را در کتابی با عنوان «پرچم در اهتزاز» روایت کرده است. چند ماهی از انتشار این کتاب از انتشارات سوره مهر می گذرد و مرور آن شب ها بهانه ای شده است تا ما سراغ این نویسنده برویم.



۴۱ شما اولین شخصی هستید که محرم های کرونایی را روایت کرده اید یا باز هم کتاب مشابهی در این فضا وجود دارد؟

تا جایی که اطلاع دارم درباره محرم های کرونایی من تا حالا تنها شخصی هستم که کتاب دارم. هر چند درباره کرونا نوشته شده اما روایت همزمان محرم و کرونا نیست.

۴۲ فکر می کنید پرچم در اهتزاز آغازگر روایت این دست از تجربه های زیسته باشد؟ تفاوت این کتاب با سایر کتاب هایی که قرار است با این حال و هوا نوشته شوند در چیست؟

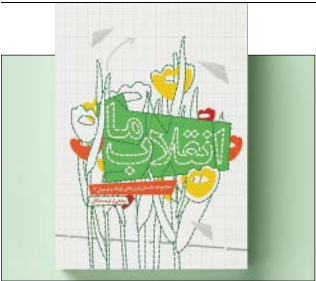
تصور من به طور کلی این است که می تواند شروع کننده نوشتن از این فضا باشد. نه تنها کتاب من، بلکه کتاب های مشابهی که درباره اتفاقی خاص نوشته می شوند و یک سوی آن اتفاق مربوط به یک بازه زمانی خاص در تاریخ است. مثلا اکنون کروناست و یک زمانی در دهه های قبل ویا بوده. یک نفر آغازکننده است و سایر افراد پس از آن به دنبال موضوع می روند و سعی می کنند بهتر و جامع تر از نفر اول بنویسند. اما این اتفاق اگر بیفتد، تفاوت پرچم در اهتزاز با کتاب های دیگر در این است که کتاب من در زمان خودش، یعنی نزدیک ترین زمان به زمان واقعه نوشته شده است. من این روایت ها را شب به شب نوشتم یعنی تا این حد نزدیک به واقع است و اکنون آن روایت ها به صورت کتاب منتشر شده است. من این روایت ها را در این روزها نوشته ام. از این رو روایت های من از منظر روایی و مستند بودن به اولین محرم کرونایی نزدیک است اما وقتی زمان می گذرد، مسائل نیز تغییر می کند. در مواجهه با کرونا شیوه مان نسبت به روزهای ابتدایی بسیار تغییر کرده. اما به هر صورت فرصت برای تحقیق، تحقیق و اندیشیدن بیشتر است. ملاحظه من این گران کتاب

را الان می نوشتم یا این که مجدد برای روایت ها وقت می گذاشتم شاید خروجی گسترده تری داشتم اما دیگر آن شیرینی و جذابیت شب به شب نوشتن را نداشتم. **۴۳ کتاب شما تجربه زیسته یک دوره مهم در دوران معاصر است و روایت آن تجربه. اساسا تجربه زیسته برای من ارزشمند است. درباره اهمیت نقل این تجربه ها نظراتان را می خواهم بدانم. فکر می کنم هر آدمی قصه ای دارد و اگر کلمه را بشناسد قطعا روایت او خواندنی خواهد بود.**

همان طور که شما گفتید تفاوت این روایت هایی که به داستان خودش را نزدیک کند، همین تجربه زیسته است. این کتاب را برخی دوستان و قدیمی های ارک خوانده اند. در فضای ارک کتاب را آورده بودند وقتی کتاب به دستشان رسید با روایتی از یک زنی مواجه شدند که با خواهرزاده ها، خواهر و فرزندان در مراسم ارک شرکت کرده است. در صورتی که انتظار داشتند من تاریخ ارک را گفته باشم. اما این کتاب تجربه زیسته من است و من

مبانی خود، مسیری را انتخاب می کند و در آن قدم برمی دارد اما در این میان، کار مربی کودک و نوجوان حساسیت و اهمیت ویژه ای دارد. در کودکی وابتدای نوجوانی، شناخت ها شکل می گیرد و عواطف پرورش می یابد و مربی برای تکمیل شناخت ها و عواطف کودک باید از دریچه نیازهای او وارد شود. داستان بازی های این کتاب راه میانبری است برای ارتباط با کودکان؛ اما آنچه به این داستان بازی ها معنا

بخشیده و به آنها حرکت و پویایی داده است، مفاهیم مهمی است که از اندیشه تربیتی اسلام به دست آمده و با توجه به مسائل و موقعیت های گذشته و اکنون انقلاب اسلامی بیان شده اند. ناهید کریمی، زینب السادات حسینی، حمیده حسینا و نگنس کاهانی نویسنده گی، سمیه محمدی مقدم و زینب السادات حسینی طراحی بازی ها و سید حامد حسینی، طراحی گرافیکی این کتاب را برعهده داشته اند.



حالت گزارش گونه را نداشته باشد و یکنواخت نباشد. ترفندی که برای آن به کار بردم این بود؛ خودم، بچه ها و اطرافیان را با عزاداری دخالت دهم و خود آداب و رسوم عزاداری هیأتی را که در آن بودیم نشان دهم. مثلا بگویم شب ششم به دیوار گل می زنند و در شب سوم به دختر بچه ها هدیه می دادند. درباره کرونا هم چون اولین تجربه است و اولین بار بود که هیأتی به این اندازه قرار بود با پروتکل و محدودیت برگزار شود. بنابراین تجربه ای نداشتمند و هر روز برای رعایت پروتکل و محدودیت آزمون و خطا می کردند. اما این که می گوید یکبار تمام می شود، بله این گونه بود. چرا که دلم می خواست همان گونه که من دلم را تا شب در هیأت جا گذاشتم، مخاطب هم در آن شب جا بماند. از پس ادامه روایت هم برمی آمدم، چرا که من در آن فضا بزرگ شده ام و می توانستم به آن تصویر، روایت و از عواطفم اضافه کنم. ولی احساس کردم روایت باید جابهایی کات شود و مخاطب با تخیل و سفیدخوانی، روایت را برای خودش ادامه دهد.

۴۴ درخصوص بخش اول پاسخ به سؤال قبلی، این گونه متوجه شدم که به نظر شما جزئیات روایت، در قسه تفاوت ایجاد کرده است؟

بله. چون کلیت عزاداری ۱۰ شب محرم مثل همدیگر است. سخنران سخنرانی می کند و مداح مداحی می کند و مراسم هم به پایان می رسد.

۴۵ می توانم بگویم پس این ایده شما نبود و جزئیات روایت را متفاوت کرده اند؟

بله. اما جزئیات اتفاق را من وارد کردم و اگر می خواستم تنها کلیات را به کار ببرم صرفا گزارش می شد. جزئیات از ذهن من نبود اما باز هم من آنها را وارد کردم. تلاشم این بود که اطرافیان را ببینم و هر قدر بتوانم آنها را در روایت دخیل کنم.

۴۶ من احساس می کنم ناداستان در عصر ما توانسته تا حدودی کنجکاری انسان معاصر را برای دانستن از همون و شیوه زیست او ارضا کند. نظر شما چیست؟

بله. ناداستان یا آن شیوه ای که روایت شخصی نویسنده است و نویسنده را نیز خوانندگان تاحدی می شناسند، نمی توانم ادعا کنم نویسنده مشهوری هستم اما در جهان نویسندگانی وجود دارند که پس از انتشار چند داستان، آن وقت یک ناداستان از زندگی شان منتشر کرده اند و برای مخاطبانش جذاب است، زیرا دریچه ای است که مخاطب می تواند به جهان نویسنده ورود پیدا کند. من می توانم درباره عقاید و واقعیت را بگویم و مانند بازیگر صحنه ها را بسازم اما وقتی روایت می نویسم تاحد زیادی بی پرده وبی حجاب می نویسم و برای همین است که مخاطب دوست دارد بداند زندگی این فرد چه شکلی است. در صفحه اینستاگرامم نوشتم وقتی این کتاب چاپ می شود برای بسیاری از شما که مرا نمی شناسید شبیه اعتراف بازی است. انگار که اعتراف کرده ام. من جنبه دیگری از زندگی را در مسجد ارک دارم و شما آن را ندیده اید. برای همین کسی که فرد را نمی شناسد این دست از روایت ها عجیب و جالب است.

فکر می کردم قرار است روایت اوج بگیرد یا نقطه عطفی داشته باشد اما یکباره چیزی در روایت پیدا نمی کردم. این شیوه شما بود که مخاطب خسته نشود یا شما روایت کردید و ممکن بود در آن شب هیچ اتفاقی نیفتد؟

درباره این که می گوید برای یکنواخت نشدن چه ایده ای داشتم، راستش اگر بخواهید به ۱۰ شب که از آن قلم صرف گزارشگرگونه فاصله می گیرد و کمی ما نویسنده را می بینیم. از آن سمت هم از داستان فاصله می گیرد و خواننده متوجه می شود این روایت ها واقعی و تجربه زیسته نویسنده است. برای همین جذابیت و کشش متفاوتی دارد. به خاطر همین هم می بینیم اکنون بازار روایت و ناداستان بسیار بیشتر از داستان است و نویسنده از خودش چه چیزی دارد.

۴۷ در این دست از روایت ها، نویسنده چگونه می تواند از درازگویی در امان باشد و شما در پرچم در اهتزاز چگونه از این موضوع در امان ماندید؟ چرا که وقتی کتاب را خواندم در بعضی روایت ها

آینده ناداستان

فکر نمی کنم ناداستان جای داستان را در ادبیات جهان بگیرد؛ چرا که داستان و تخیل قدرتمندتر است. درست است که ناداستان جذابیت خاصی دارد اما داستان هیچ وقت به خاطر تخیل و پرواز ذهنی نویسنده و مخاطب، جایش را به ناداستان نمی دهد. همه ما که ناداستان می نویسیم هم در حال نوشتن داستان هستیم و در تلاطم آنچه در ذهن مان است را بتوانیم پرو و بال بدهیم. در روایت تا اندازه زیادی باید به واقعیت وفادار باشی، اما در داستان در ذهنت امور را مرتبط می کنی و قصه را جلو میبری. مخاطب هم فکر می کند اگر یک وقت هایی ناداستان را دوست دارد قصد تغییر فضا کرده است.

دیجیتال سازی منابع اولویت کتابخانه ملی

فاطمه صدر، معاون پژوهش و منابع دیجیتال سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران درباره منابعی که تاکنون در کتابخانه ملی دیجیتال سازی شده است، گفت: البته همه منابع در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به دیجیتال سازی نیاز ندارند؛ به عنوان مثال در بخش کتاب های چاپی، این سازمان وارد دیجیتال سازی این منابع نمی شود، زیرا حق مالکیت معنوی و فکری اثر باید رعایت شود و در این زمینه اجازه ناشران شرط است. وی افزود: بسیاری از آثار و مقاله های علمی و پژوهشی، اکنون به صورت دیجیتال از طریق سامانه ها در دسترس است. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در این زمینه نیز دیجیتال سازی انجام نمی دهد و فقط با فرآیند پردازش، منابع گردآوری شده را روی سامانه دیجیتال کتابخانه ملی قرار می دهد. اولویت کتابخانه ملی در این مقطع، دیجیتال سازی منابع قدیمی است که نسخه دیجیتال آنها در دسترس مخاطبان قرار ندارد. صدر ادامه داد: در سامانه دیجیتال کتابخانه ملی کودک و نوجوان ۲۳ هزار و ۳۸۵ نسخه کتاب الکترونیک وجود دارد. / ایننا



چهره

تولد شاعر «کوچه»

فریدون مشیری، شاعر معاصر امروز اگر زنده بود، وارد ۹۶ سالگی می شد. مشیری از مشهورترین شاعران رمانتیک ایران است که علاوه بر سرودن شعر در قالب های غزل، چهارپاره و نیمایی، در حوزه تصنیف سرایی نیز فعال بود و بسیاری از خوانندگان امروز موسیقی ایران، شعرهایش را خوانده اند. مشهورترین شعر مشیری، شعر نیایی نسبتا بلند «کوچه» است با این مطلع که: بی تو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم، همه تن خیره شدم باز به دنبال تو گشتم. در این عکس او را در کنار استاد شهریار در جوانی می بینید.

فرهنگ

Culture

چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۳۱۴

یادداشت

نگاهی به کتاب «اگر به خودم برگردم»

ولگردی یا پرسه زنی؟



امین نجیبی

نویسنده

کتاب «اگر به خودم برگردم» آن جور که عنوان فرعی اش ما را رهنمون می کند درباره پرسه در شهر است. اما جوری که من می فهمم درباره ولگردی در آستانه ها و مرزهاست، از جهان تا زبان. والریا لوتیزلی به تعبیر والتر بنیامین یک فلانور است،

یعنی پرسه زن حرفه ای. اما چیز دیگری را هم باید بر او افزود. او با دوچرخه پرسه می زند. پس او پرسه چرخ زن است؛ تماشگری تیزبین و تیزرو که همه چیز را از پیش چشم می گذراند و شاعرانه به داوری می کشد. جستارهای ده گانه این کتاب هر کدام به موضوعی می پردازند اما گویی سفرنامه اند. لوتیزلی از جایی، مثلا قبرستان سن میکله، پرسه و پایدون می زند و مخاطب را ترک دوچرخه اش با خود همراه، بلکه همگام و همچرخ می سازد. جستار که تمام می شود هر دو، ما و نویسنده، جایی دیگری و باید رخت سفر بپوشیم و رحل اقامت بیفکنیم و سوغاتی های عالم مردگان را بگشاییم و به تماشا بنشینیم. در این روند آویندها، والریا لوتیزلی مدام در تردد و تعلیق بین عین و ذهن است. معلق و آونگ وار بین آنچه می بیند و می اندیشد، می چمد و این اندیشه را شاعروش بر آفتاب می افکند، با ارجاعات و تلمیحاتی پیاپی به شاعران و نویسندگان. در جستار «شهرهای پرلکنت» او نقب می زند به خاطره ساخت وساز خانه ای در چوار خانه اش. به سوراخی که در کنار خانه اش گود می شود. به شکافی



زرف که نهیبش می زند و نگرانش می کند. بعد رفته رفته یاد چاله های زبانی اش، یاد حفره های کلامش در کودکی می افتد. به یاد روزهایی که یکپو شیرجه می زد در گودال سکوت. در یادآوری این خاطرات، وینگشتاین و لوکا و ساموئل بکت روشنی بخشی می کنند تا او میان شهر و زبان، پل و پیوندی یابرجا بسازد و با دوچرخه اش روی آن بازگوشی کند: «فرآیند یادگیری نخستین زبان به اندازه لکنت یا زبان پریشی غیباراری است. یادگیری زبان بیش از آن که به خاطره ای از بهشت شبیه باشد، به طرد نخستین شبیه است. تبعیدی ناخواسته و خاموش به داخل نیستی موجود در قلب همه چیزهایی که بر آنها

اسم می گذاریم.»

لوتیزلی، دختر یک دیپلمات مکزیکیی است با سفرهایی که به دیپلمات زاده ها تحمیل می شود؛ تحمیلی خوشایند و خواستنی که او را عادت به کوچ و چندجانشینی داده است. این سیر آفاقی، افق های ذهنی او را بسط و زرفا بخشیده است؛ ذهن و ضمیری آبگون و آبشارسار که هر دم سربه صحرایی می نهد و در قله وسنگی راهی می گشاید.

«برگشتن به کتاب ها مثل برگشتن به شهرهایی است که فکر می کنیم شهر ما هستند، ولی در واقع فراموش شان کرده ایم و فراموشمان کرده اند. در شهر، در کتاب، بیهوده به گذرگاه ها سرمی زنیم و دنبال نوستالژی هایی می گردیم که دیگر مال ما نیستند.

محال است برگردیم به جایی و همان طور بیابیمش که آخرین رارتکش کرده بودیم. محال است در کتابی دقیقا همان چیزی را کشف کنیم که اولین بار بین خطوطش خوانده بودیم.



برای خواندن ادامه یادداشت کیو آر کد را اسکن کنید

زادروز



انتشار

مجموعه جدید ضیایی منتشر شد

«۳۳ سیو» مجموعه عاشقانه های وحید ضیاییی شاعر معاصر منتشر شد. این مجموعه را که انتشارات نگین سیلان منتشر کرده است، شامل ۳۳ شعر سپید عاشقانه از این شاعر است. وحید ضیایی متولد ۱۳۵۹ در اردبیل است و تحصیلات خود را تا دریافت مدرک دکترای ادبیات فارسی ادامه داده است. او فعالیت های ادبی خود را با انتشار نقد و شعر و ترجمه شعر در نشریات سراسری و محلی آغاز کرد. وی سردیر چند نشریه ادبی - فرهنگی و ادبی بوده است. از وی تاکنون ۲۷ کتاب در حوزه های مختلف شعر، نقد، ترجمه و پژوهش ادبی منتشر شده است. شعرهایی از این شاعر معاصر به زبان های ترکی استانبولی، عربی، فرانسه، انگلیسی و اردو منتشر شده است. او همچنان در اردیو فرهنگ، سال ها به عنوان مجری - کارشناس برنامه های پرطرفدار ادبی و فرهنگی را اجرا کرده است. شعرهای این شاعر در حوزه ادبیات مدرن و تلفیق فضای شعر و داستان در سال های اخیر مورد توجه محافل ادبی و هنری قرار گرفته است. / جام جم

